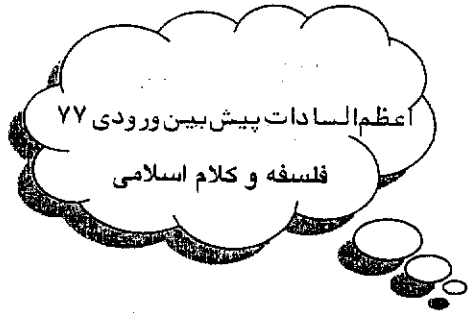


# قیاس مساوات



تعریف قیاس می‌دانند. به نظر می‌رسد که بیشتر منطق‌دانان - به جز تعداد معدودی از آنها از جمله ابن سینا و فخر رازی و ... - قیاس مساوات را بعنوان یک قیاس معرفی نمی‌کنند و معتقدند که تعریف قیاس بر آن صدق نمی‌کند که این امر جای تأمل است و در جای خود از آن بحث خواهد شد.

در این مقاله سعی شده تا به برخی سؤالات در مورد قیاس مساوات پاسخ داده شود: قیاس مساوات یعنی چه؟ چه رابطه‌ای میان مقدمات قضیه باشد تا این قیاس، قیاس مساوات باشد؟ آیا قیاس مساوات نوعی قیاس مضممر است؟ قیاس مساوات مفرد است یا مرکب؟ نظر منطق‌دانان در این مورد چیست؟ نوع قیاسهای تشکیل‌دهنده در قیاس مساوات چیست؟ و ...

در بخش اول به تعریف و چگونگی قیاس مساوات از دیدگاه ابن سینا و دیگر منطق‌دانان و در بخش دوم به تحلیل قیاس مساوات پرداخته شده و نظریه کسانی که قیاس مساوات را قیاس مفرد یا مرکب میدانند، بیان شده است که در این مورد فخر رازی و خواجه نصیرالدین طوسی نظریات قابل توجهی را ارائه داده‌اند.

با مراجعه به کتابهای منطق دانان قدیم و جدید در می‌یابیم که مبحث «قیاس مساوات» فقط در برخی کتابها بطور بسیار مختصر مطرح شده است. اما چرا منطق‌دانان در مورد این قیاس کمتر از قیاسهای دیگر بحث کرده‌اند؟ آیا اهمیت و کاربرد آن از قیاسهای دیگر کمتر است یا اینکه قیاس مساوات قیاس نیست یا دلایل دیگری دارد؟

منطق‌دانان بزرگی همچون ارسطو و فارابی هم در کتابهای خود بخش مستقلی به قیاس مساوات اختصاص نداده‌اند.

ابن سینا اولین کسی بود که قیاس مساوات را مطرح کرد. بعد از ابن سینا افرادی مثل خواجه طوسی و فخر رازی و دیگران به شرح و نقد مطالب ابن سینا پرداخته‌اند و مطالب جدید دیگری را ارائه داده‌اند. ولی جای تعجب است که دیگر کتابهای معتبر منطقی مثل شرح مطالع الانوار و شرح شمسیه و شروح شمسیه بخش مستقلی به نام قیاس مساوات ندارند. و اگر اسمی از قیاس مساوات به بیان آمده است، در قسمت تعریف قیاس می‌باشد که در این قسمت نویسندگان کتابها، قیاس مساوات را خارج از



## ۱- تعریف قیاس مساوات:

در میان منطق دانان قدیم، ابن سینا اولین فردی بود که قیاس مساوات را مطرح کرد و تلاش کرد که قیاس مساوات را هم داخل در قیاس بداند. طبق تعریف ابن سینا، قیاس مجموعه‌ای از قضایا یا مقدماتی است که حداقل باید شامل دو مقدمه باشد و با این تعریف مبحث استدلال مباحث از جمله تقابل و تناقض از این تعریف خارج می‌شود. او معتقد است قیاسهای مرکب که بیشتر از دو مقدمه دارند، قابل تبدیل به قیاسهای بسیط که شامل دو مقدمه هستند، می‌باشند. او قیاس مساوات را هم نوعی قیاس می‌داند، برای تعریف قیاس مساوات از مثال استفاده می‌کند<sup>۱</sup> و می‌گوید قیاس مساوات قیاسی مانند نمونه زیر است: اگر ج مساوی ب باشد و ب مساوی و باشد آنگاه نتیجه می‌شود که ج مساوی و است. و برای اینکه این قیاس به یک نتیجه منطقی برسد باید این مقدمه ذهنی در نظر گرفته شود که مساویات المتساویات متساویه (مساوی مساوی شی مساوی با آن است).<sup>۲</sup> همانطور که می‌دانیم کتاب شفا مفصل‌تر از کتاب اشارات است اما ابن سینا در کتاب اشارات به شرح مفصل‌تری از قیاس مساوات پرداخته است و بیان می‌کند: درست است که قیاس مساوات از انواع قیاس می‌باشد ولی مخالف با صورت قیاس می‌باشد مثل این مثال

ج مساوی ب است.

ب مساوی الف است.

ج مساوی الف است.

در این قیاس، قضیه «مساوی مساوی شی مساوی آن است» ذکر نشده است.

در مقدمه صغری حد وسط بطور کامل تکرار شده در حالی که در مقدمه کبری حد وسط بطور کامل تکرار نشده، در واقع پاره‌ای از حد وسط تکرار شده است. ابن سینا به این نکته اشاره می‌کند که برای رفع مشکل عدم تکرار حد وسط می‌توان این قیاس را به قیاس مرتب شده که همه حد‌ها طبق قوانین قیاس بدرستی در آن بکار رفته است، تبدیل کرد ولی از آنجا که معتقد است این کار مشکل می‌باشد، به تحلیل قیاس پرداخته است.<sup>۳</sup> اما بعد از او افرادی همچون فخر رازی و خواجه طوسی به تحلیل و نقد قیاس مساوات پرداخته‌اند که در بخش تحلیل قیاس به این مطلب اشاره خواهد شد. البته فخر رازی بیان می‌کند که قیاس مساوات عقلاً بدیهی است و اگر بدانیم که الف مساوی ب است و ب مساوی ج است عقل ما حکم می‌کند که حتماً الف مساوی ج است و دیگر نیازی به تحلیل قیاس مساوات نیست ولی جالب اینجاست که او در جای دیگر، قیاس مساوات را به گونه‌ای متفاوت با دیگران مطرح می‌کند و این مطلب را بیان می‌کند که اگر قیاس مساوات به این صورت باشد «الف مساوی ب است» و «ب مساوی ج است» این قیاس نتیجه نمی‌دهد که «الف مساوی مساوی ج است». چون حد وسط تکرار نشده و این مطلب

۱- تعریف به مثال

۲- شفا. شیخ ابن علی حسین بن عبدالله بن سینا. ج ۱. ب ۴.

ص ۴

۳- اشارات. شیخ ابن علی حسین بن عبدالله بن سینا. ج ۱. ص



را اضافه می کند که علاوه بر آن موضوع نتیجه موضوع صفر است و درست است. اما محمول نتیجه مساوی مساوی ج است و محمول کبری نیست و این برخلاف قیاسهای دیگر است. در واقع جای این سؤال باقی می ماند که چرا فخر رازی قیاس مساوات را به این صورت بیان کرده است و از مقدمه اول و دوم این نتیجه را گرفته است که الف مساوی مساوی ج است. یعنی او در واقع ب را حد وسط در نظر گرفته است که در هر دو مقدمه تکرار شده است که اگر ب حد وسط باشد در مقدمه اول حد اصغر «الف مساوی» می باشد و بی معناست. از طرفی خود او معتقد است که در این قیاس حد وسط بطور کامل در هر دو مقدمه تکرار نشده است.

مهمتر اینکه او در تحلیل قیاس مساوات آن را مشابه با قیاس مساواتی که دیگران مطرح کرده اند، طرح می کند و از دو مقدمه مشابه دو مقدمه ذکر شده این نتیجه را می گیرد که «الف مساوی ج است». البته شاید بتوان اینگونه پاسخ داد که او در تحلیل قیاس مساوات اقوال دیگران را مورد نقد و بررسی قرار داده و به همین خاطر دو نمونه مختلف از قیاس مساوات مطرح شده است.

بنابراین منطقدانان بعدی همچون فخر رازی و خواجه نصیرالدین طوسی و قطب رازی و کاتب فروینی و الشریف جرجانی و دیگران مطلب جدیدی به تعریف قیاس مساوات اضافه نکرده اند و فقط مثالهای زیادی را عنوان کرده اند و واقع قیاسهای مشتمل بر مماثلت و مشابهت<sup>۱</sup> و امثال اینها را انواعی از قیاس مساوات بر می شمردند. مانند مثالهای زیر:

الف ملزوم ب است.

ب ملزوم ج است.

/ الف ملزوم ج است.

با این مقدمه خارجی که «ملزوم ملزوم شی ملزوم آن است» یا

مروارید در کیسه است.

کیسه در خانه است.

/ مروارید در خانه است.

با این مقدمه خارجی که «ما فی الشی الذی

هو فی شی آخر یکون فیه» ( شی داخل در شی

دیگر داخل در آن است). یا

جسم جزئی از حیوان است.

حیوان جزئی از انسان است.

/ جسم جزئی از انسان است.

با این مقدمه خارجی که «جزء جزء شی جزء آن است».

وجه تسمیه قیاس مساوات:

مرحوم مظفر معتقد است این قیاس را قیاس مساوات می نامیم زیرا نمونه معروف این قیاس چنین است:

الف مساوی ب است.

ب مساوی ج است.

/ الف مساوی ج است.

و الا قیاس مساوات علاوه بر قیاس فوق شامل

۱- مانند اینکه گفته شود الف مثل ب است

ب مثل ج است

/ الف مثل ج است

با این مقدمه خارجی که (مثل مثل شی ء مثل آن شی است).



مماثلات و مشابهات و غیر آن نیز می شود.<sup>۱</sup>  
اهمیت و نقش مقدمه خارجی در

قیاس مساوات:

چنانچه بیان شد «قیاس مساوات قیاسی است که از به هم پیوستن قضایا، خود به خود نتیجه ای را به دنبال ندارد و نتیجه دادن آن بستگی به درستی و نادرستی مقدمه خارجی دارد»<sup>۲</sup> با این تعریف مشخص می شود که قیاس مساوات قیاس ساده ارسطویی نیست چون شرایط هیچ کدام از شکل های چهارگانه قیاس اقترانی را ندارد و هر دو مقدمه آن جزئی است و همچنین این در قیاس حد وسط بطور کامل در دو مقدمه تکرار نشده بلکه در یکی از مقدمات بطور کامل و در مقدمه دیگر پاره ای از آن ذکر شده است و نمی توان قضیه اول را صغری و قضیه دوم را کبری دانست، چون نتیجه ای که از این قیاس بدست می آید از صورت دو مقدمه حاصل نشده و علاوه بر آن به یک مقدمه خارجی هم نیاز دارد.

اگر استدلالی در حالت کلی به این صورت بیان شود:

الف فلان ب است.

ب فلان ج است.

بر حسب اینکه به جای فلان چه کلمه ای را بگذاریم نتیجه مختلف می شود. مثلاً اگر به جای فلان لفظ «مساوی» را قرار دهیم، در نتیجه هم همان لفظ مساوی بکار برده می شود. ولی باید دانست که این نتیجه فقط از دو مقدمه حاصل نشده است بلکه مقدمه خارجی «دو مقدار مساوی با مقدار سوم خود مساویند» در منتج شدن این استدلال نقش داشته است. اما اگر به جای فلان نصف یا ربع یا پدر و مادر و امثال اینها

(اضافه های غیر متکرره) بگذاریم دیگر در نتیجه ذکر نمی شود.<sup>۳</sup>

پس نکته مهم این است که منتج بودن قیاس مساوات بستگی به درستی یا نادرستی مقدمه خارجی دارد. اگر مقدمه خارجی درست باشد این قیاس منتج است. مثلاً می دانیم که «مساوی مساوی شی مساوی آن است» قضیه ای درست است، پس قیاس منتج است. اما اگر مقدمه خارجی نادرست باشد، قیاس منتج نخواهد بود. مثلاً در مورد این استدلال

الف نیمی از ب است.

ب نیمی از ج است.

مقدمه خارجی این قیاس، قضیه «نیم نیم، نیم است» می باشد. در حالی که می دانیم این قضیه نادرست و «نیم نیم، نیم نیست» پس چون مقدمه خارجی نادرست است، نمی توان این استدلال را منتج دانست.<sup>۴</sup>

بنابر این در بحث قیاس مساوات با چنین محدودیت هایی از قبیل صادق بودن مقدمه خارجی و ... مواجه می شویم و در نتیجه نمی توان دامنه قیاس مساوات را گسترده دانست.

جالب اینجاست که دکتر عادل فاخوری در کتاب منطق العرب من وجهه نظر المنطق الحدیث، دامنه قیاس مساوات را گسترده تر می کند و استدلالهایی را تحت عنوان قیاس مساوات مطرح می کند که منطق دانان قدیم

۱- المنطق - محمد رضا مظفر. ج ۲. ص ۲۶۲

۲- ترجمه و شرح اشارات. حسن ملک شاهی. ج ۲. ص ۵۰۵

۳- منطق صوری. محمد خوانساری. ج ۲. ص ۴-۱۷۳

۴- ترجمه و شرح اشارات. حسن ملک شاهی. ص ۵۰۵



آن را جزء قیاس مساوات نمی داند

دکتر عادل فاخوری معتقد است که قیاس مساوات از جمله قیاسهای غیر متعارف یا قیاسهای علامات می باشد. درست است که در ابتدای امر ابوعلی سینا قیاس مساوات را در مواردی بکار می برد که رابطه تماثل میان اجزای قیاس برقرار باشد ولی بسرعت این قیاس عمومیت پیدا کرد و به روابط دیگر غیر از روابط تماثل هم تعدی کرد. مانند مثال زیر:

الف ملزوم ب است.  
ب ملزوم ج است.

/ الف ملزوم ج است.

منطق دانان عرب انواع جدیدی از این قیاس را تصنیف کرده اند که در این قیاسها یا در هر دو مقدمه محمول یکی یا مختلف می باشد. ولی در هر دو مورد یک مقدمه غریب (مقدمه ای که در ذهن در نظر گرفته می شود) در نظر می گیریم. موردی که محمول در هر دو مقدمه یکی است چنین است:

یک نصف دو است.

دو نصف چهار است.

/ یک ربع چهار است.

و مقدمه غریب این قضیه است که نصف ربع است. برای موردی که محمول در دو مقدمه یکی نیست این مثال را می توان ذکر کرد:

یک نصف دو است.

دو ربع هشت است.

یک، یک هشتم هشت است.

و مقدمه غریب این قضیه است که نصف ربع، یک هشتم است.

در برخی از موارد اصلاً اینگونه نیست و نتیجه از ضرب محمولات حاصل می شود مانند:

فرس مابین با ناطق است.  
ناطق مساوی انسان است.

/ فرس مابین با مساوی انسان است.

همه استدلالهای فوق را می توان به این صورت نوشت:

و . ح ( ط )

ط . ع ( ی )

/ و . ح ( ع د ی )

قیاس فوق بذاته منتج می باشد و از آنجا که اساس استدلالات جدید است به آن قیاس غیر متعارف می گویند.<sup>۱</sup>

بنابراین منطق دانان عرب به گونه ای متفاوت با منطق دانان قدیم قیاس مساوات را مطرح می کنند. در واقع آنها دامنه قیاس را فراتر در نظر گرفته اند. اما به نظر می رسد که روش منطق دانان قدیم منطقی تر از روش منطق دانان عرب باشد. چون اگر طبق روش منطق دانان عرب پیش برویم، در بیشتر موارد می توان طبق مقدمات و نتیجه، مقدمه خارجی را ساخت و در واقع بر دامنه قیاس مساوات افزود. طبق این روش بسیاری از استدلالها را می توان جزء قیاس مساوات دانست و بسیاری از استدلالها را که در واقع استدلال و قیاس نیستند، جزء قیاس مساوات دانست.

به نظر می رسد که در منطق قدیم، مقدمه

۱- منطق العرب (من وجهه نظر منطق الحدیث). الدكتور عادل

خارجی در قیاس مساوات، مقدمه ای است که براحتی و بدون تفکر زیاد پذیرفته یا رد می شود که اگر پذیرفته شود قیاس مذکور از نوع قیاس مساوات است و اگر پذیرفته نشود، درستی قیاس مساوات زیر سؤال می رود. طبق این روش بسیاری از استدلالها جزء قیاس مساوات نیست. مثلاً در منطق قدیم گفته می شود که نصف نصف شی نصف آن شی نیست، لذا از این مقدمات که «الف نصف ب است» و «ب نصف ج است» این نتیجه که «الف نصف ج است» حاصل نمی شود و چون مقدمه خارجی غلط است در نتیجه استدلال مذکور از نوع قیاس مساوات نیست. اما منطق دانان عرب به تحلیل این مسأله می پردازند و معتقدند که درست است که نصف نصف شی نصف آن نیست اما نصف نصف شی ربع آن است. بنابراین اگر مقدمه خارجی این قضیه باشد که نصف نصف شی ربع آن است پس قیاس مذکور از نوع قیاس مذکور از نوع قیاس مساوات است مانند:

یک نصف دو است.  
دو نصف چهار است.

/ یک نصف چهار است.

با این مقدمه غریب که نصف، نصف ربع است.

رابطه میان اجزای قضایا در قیاس

مساوات:

قیاس مساوات از جمله قیاسهای خاص است و ما نمی توانیم هر نوع قیاس را از انواع قیاس مساوات به حساب آوریم بلکه قیاس مساوات از جمله قیاسهایی است که خصوصیتی خاص دارد. یکی از شرایط مهم قیاس مساوات،

رابطه میان اجزای قضایای آن است. این رابطه در منطق جدید واضح تر از منطق قدیم بیان می شود. مساوی بودن در منطق جدید (بیروان فرگر) به منزله یک مفهوم نیست بلکه به منزله یک نسبت آن هم از نوع نسبت های متعدی است؛ زیرا همانطور که می دانیم نسبت ها در منطق جدید دوگونه اند:

(۱) نسبت های متعدی<sup>۱</sup> مانند تساوی، توازی، کوچکتری، بزرگتری و تلازم که در قیاس مساوات نسبت متعدی برقرار است؛ یعنی اگر میان اجزای قضیه، رابطه تعدی برقرار باشد قیاس حاصل، قیاس مساوات نامیده می شود. مثلاً اگر  $A < B$  باشد و  $B < C$  باشد نتیجه می گیریم که  $A < C$  است. چون رابطه میان اجزای قضایا رابطه تعدی و نوع قیاس، قیاس مساوات است.

(۲) نسبت های غیر متعدی<sup>۲</sup>. مانند نصف بودن، فرزند بودن و غیره. بنابر این قیاسهایی که میان اجزای آنها، رابطه تعدی برقرار نباشد، قیاس مساوات محسوب نمی شوند و این گونه قیاسها منتج نیستند. مثلاً از قضیه های «هادی فرزند علی» است و «علی فرزند حسین است» نمی توان نتیجه گرفت که «هادی فرزند حسین است». چون رابطه میان قضایا، رابطه تعدی نیست، در نتیجه قیاس حاصل، قیاس مساوات نیست ضمن اینکه منتج هم نیست.<sup>۳</sup>

البته باید این نکته هم ذکر شود که در منطق

قدیم هم ابن سینا قیاس مساوات را شبیه به برهانهای ریاضی می دانند؛ زیرا قیاس ارسطویی

<sup>۱</sup> - transitive relation

<sup>۲</sup> - nontransitive relation

<sup>۳</sup> - منطق (۱) و (۲) - احد فرامرز فرامسکی. ج ۲.

اقوال به انفراد نبود بل به اعتبار آن اضممار باشد و آن اقوال بالذات مستلزم نتیجه نبوده است و قیاس نباشد، مثلاً گوییم جسم جزء حیوان است و حیوان جزو انسان پس جسم جزء و انسان بود، چه این استلزام بعد از مقارنت این قول بود با دیگر اقوال که جزء جزء، جزء بود.<sup>۱</sup> اما به نظر می‌رسد که قیاس مساوات هم نوعی قیاس می‌باشد که تخصصاً از تعریف قیاس خارج می‌باشد پس قیاس مساوات نوعی قیاس خاص است که همان طور که بیان شد خصوصیات خاص خود را دارد.

## ۲- تحلیل قیاس مساوات

در تحلیل قیاس مساوات نظریه های مختلفی مطرح است. برخی از منطقدانان این قیاس را قیاسی مفرد و برخی دیگر قیاسی مرکب می‌دانند. ولی دلایل کسانی که این قیاس را قیاسی مرکب می‌دانند بیشتر مورد قبول است، زیرا همانطور که گفته شد قیاس مساوات قیاسی است که برای منتج شدن علاوه بر دو مقدمه مذکور به مقدمه ای ذهنی هم نیاز دارد. بنابراین اگر در تحلیل این قیاس به نوعی این مقدمه ذهنی را وارد کنیم، این قیاس، قیاس مرکبی خواهد شد. که جزئیات آن توضیح داده می‌شود.

قیاس مساوات، قیاسی مفرد است.

فخر رازی و خواجه طوسی از جمله افرادی هستند که نظریه کسانی را که قیاس مساوات را مفرد می‌دانند، مورد نقد قرار می‌دهند.

۱- شفا. یخ ابن علی حسین بن عبدالله بن سینا. ج ۱. ب ۴. ص ۴

۲- اساس الاقتباس. خواجه نصیرالدین طوسی. ج - ص ۱۸۸.

در منطق بر اساس حمل و تداخل است، در حالی که برهانهای ریاضی بر اساس رابطه هایش مثل مساوات و لامساوات و تلازم و تعارض می‌باشند، قیاس مساوات تنها قیاسی در منطق است که به برهانهای ریاضی بسیار شبیه است.<sup>۱</sup> پس رابطه میان اجزای قضایا در منطق قدیم همان رابطه تعدی میان اجزای قضایا در منطق جدید می‌باشد.

به نظریه منطق دانان عرب نیز این نقد وارد می‌شود که آنان به رابطه میان اجزای قضایای متشکله یک قیاس چندان توجهی ندارند و معتقدند در صورتی که مقدمه ذهنی درست باشد و با مقدمات همخوانی داشته باشد، آن استدلال منتج خواهد بود. در حالی که اکثر منطق دانان معتقدند که رابطه بین اجزای قضایای قیاس باید رابطه تعدی باشد در صورتی که این رابطه، تعدی نباشد، گرچه مقدمه ذهنی هم درست باشد، آن قیاس، قیاس مساوات نخواهد بود.

آیا قیاس مساوات نوعی قیاس است یا خیر؟

چنانچه گفته شد به جز چند کتاب منطقی، دیگر کتابها بحث مبسوطی در مورد قیاس مساوات ارائه نداده اند. نویسندگان آن کتابها معتقدند که تعریف قیاس بر قیاس مساوات صدق نمی‌کند، لذا قیاس مساوات را نمی‌توان از انواع قیاس به شمار آورد. چنانچه خواجه نصیرالدین طوسی در اساس الاقتباس در ادامه تعریف قیاس در مورد لفظ بالذات این توضیح را می‌دهد که «بالذات به سوی آن گفته اند که: بعضی اقوال باشد که مستلزم قولی بود اما در اضممار فکری یا قولی، قولی دیگر با آن مقارن باشد پس استلزام آن



برخی از منطقی دانان از دو مقدمه «الف مساوی ب است» و «هرچه مساوی ب باشد مساوی ج است» این نتیجه را می‌گیرند که «الف مساوی ج است» و قیاس مساوات مفردی را تشکیل می‌دهند، فخر رازی معتقد است که این که در این صورت هر چه مساوی ب باشد لازم نیست که مساوی ج باشد پس کبری کاذب است (۲) یا ج مساوی ب است که در این صورت در قول هر چه مساوی ب باشد می‌توان ج را هم داخل نمود و لازم می‌آید که ج مساوی ج باشد که این امر محال است چون مساوات بعد از مغایرت مطرح می‌شود. البته قطب الدین رازی تقدی بر این سخن وارد و بیان می‌کند که لزومی ندارد مغایرت فقط در خارج باشد بلکه مغایرت به حسب اعتبار هم کافی است.<sup>۱</sup>

(۳) صدق قضیه «هرچه مساوی ب باشد مساوی ج است» (کبری قیاس) شناخته نمی‌شود مگر اینکه این قیاس را تشکیل داد:

ب مساوی ج است.

مساوی مساوی یک چیز با آن چیز مساوی است.

/ هر چه مساوی ب باشد مساوی ج است.

و این بیان هم بیانی دور می‌باشد و چندان مستدل نیست؛ در نتیجه نمی‌توان از این قیاس به صدق آن قضیه پی برد. البته به نظر می‌رسد که منظور او از بیان دور، قیاس دور نیست. چون ساختار قیاس دور این است که عین نتیجه درست است عین یا عکس یکی از مقدمات آورده می‌شود، پس عین مقدمه دیگر نتیجه می‌شود در صورتی که این مراحل در قسمت بالا طی نشد<sup>۲</sup>

خواجه طوسی هر دو نظریه را بیان می‌کند ولی به نظر می‌رسد که او معتقد است قیاس مساوات قیاسی مرکب است. خواجه چنین شرح می‌دهد که اگر بگوییم الف مساوی ب است قضیه‌ای است که موضوع آن الف و محمول آن مساوی ب می‌باشد وقتی که در قضیه دیگر مساوی ج محمول ب است. مساوی ج را به جای عبارت ج می‌گذاریم؛ به عبارت دیگر به جای «مساوب ب» مترادف آن یعنی «مساوی با مساوی ج» را قرار می‌دهیم. پس اگر مساوی مساوی ج را مترادف با مساوی ب قرار دهیم قیاسی داریم که قضیه اول آن را می‌توان به دو صورت نوشت: (۱) الف مساوی ب است (۲) الف مساوی با مساوی ج است. که هر دو قضیه در واقع در قوه یک قضیه واحد هستند ولی با توجه به اینکه «مساوی ب» مترادف با «مساوی مساوی ج» است مقدمه اول را بدین گونه می‌نویسیم: «الف مساوی با مساوی ج است» و مقدمه دوم بصورت «مساوی مساوی ج مساوی ج است» می‌باشد. نتیجه اینکه «الف مساوی ج است که این قیاس، قیاس مفرد است به این صورت:

الف مساوی با مساوی ج است.

مساوی مساوی ج مساوی ج است.

/ الف مساوی با ج است<sup>۳</sup>

بنابر این او در تحلیل قیاس مساوات بعنوان

۱- شرح اشارات . قطب الدین رازی . ج ۱ . ص ۲۷۹

۲- شرح اشارات . فخر رازی . ج - ص ۱۲۲

۳- شرح اشارات . خواجه نصیرالدین طوسی . ج ۱ . صص ۲۷۹-۲۸۰





قیاس مفرد، مقدمه خارجی (البته مصداق آن) را یکی از مقدمات در نظر می‌گیرد و قیاس مساوات منتجی را تشکیل می‌دهد.

قیاس مساوات قیاس مرکبی است:

به نظر می‌رسد که اکثر منطق دانان معتقدند قیاس مساوات از اقسام قیاس مرکب است. آنها به شیوه های گوناگون به تحلیل این قیاس پرداخته‌اند. اگرچه هر یک از آنها روش خاصی در تحلیل قیاس داشته‌اند ولی در بیشتر مواقع این روشها بسیار شبیه به هم بوده است؛ مثلاً در دو روش جداگانه بیشتر مقدمات تشکیل دهنده قیاس شبیه به هم بوده و فقط در یکی از مقدمات اختلافاتی از لحاظ ظاهری دیده می‌شود. به عنوان مثال خواجه طوسی و دکتر ملک شاهی روشی مشابه یکدیگر در تحلیل این قیاس داشته‌اند.<sup>۱</sup> خواجه در تحلیل این قیاس به قیاسی مرکب چنین شرح می‌دهد که نحوه تشکیل قیاس مرکب این چنین است که «مساوی مساوی ج» را متباین (غیر مترادف) با «مساوی ب» قرار می‌دهیم و «مساوی مساوی ج» را محمول «مساوی ب» قرار می‌دهیم و بعنوان قضیه‌ای مستقل در قیاس به آن اشاره می‌کنیم - برخلاف حالت قبلی که بدون اینکه قضیه «مساوی ب مساوی مساوی ج است» را بعنوان یک قضیه مستقل در قیاس در نظر بگیریم «مساوی مساوی ج» را جایگزین «مساوی ب» کردیم - و قیاس را اینگونه تشکیل می‌دهیم:

الف مساوی ب است.

مساوی ب مساوی مساوی ج است (چون ب = مساوی ج)

/ الف مساوی مساوی ج است.

مساوی مساوی ج مساوی ج است.

/ الف مساوی ج است.

پس قضیه «الف مساوی ب است» در تقدیر اول صغری قیاس است. نکته دیگر اینکه در این «قیاس مساوی مساوی شی مساوی آن است» بصورت کبری محذوف می‌باشد.<sup>۲</sup>

دکتر ملک شاهی هم معتقد است اگر در قیاس مساوات مقدمه خارجی را وارد مقدمات کنیم و همراه آن دو مقدمه ذکر کنیم؛ قیاس مساوات تبدیل به قیاس مرکب خواهد شد. مانند:

الف مساوی ب است.

ب مساوی ج است.

/ الف مساوی مساوی ج است.

مساوی مساوی ج مساوی ج است.

/ الف مساوی ج است.<sup>۳</sup>

البته می‌توان گفت منظور دکتر ملک شاهی از بکار بردن مقدمه خارجی در قیاس به عنوان یکی از مقدمات قیاس بکار بردن مصداقی از آن مقدمه خارجی است چون مقدمه خارجی یک مقدمه کلی است و نویسنده مسامحتاً گفته است که آن مقدمه خارجی را بعنوان یکی از مقدمات در این قیاس بحساب می‌آوریم؛ در صورتی که خواجه در نهایت معتقد است که مقدمه خارجی بصورت کبری محذوف می‌باشد. در بررسی مقایسه‌ای تحلیل قیاس مساوات به قیاسی مرکب از دیدگاه

۱- البته شایان ذکر است که خواجه طوسی در این زمینه، نظرات جدیدی ارائه داده است. در واقع دکتر ملک شاهی و دیگران از جمله مرحوم مظفر و ... همان نظریه را به نوعی دیگر بیان کرده‌اند.

۲- شرح اشارات. خواجه نصیرالدین طوسی. ج ۱. ص ۲۸۱

۳- ترجمه و شرح اشارات. حسن ملک شاهی.



دکتر ملک شاهی و خواجه نصیر می توان گفت که قیاس دوم از قیاس مرکب در هر دو دیدگاه یکسان است فقط در قیاس اول و آن هم در مقدمه کبری اختلافاتی مشاهده می شود؛ دکتر ملک شاهی مقدمه دوم «ب مساوی ج است» می داند و خواجه مقدمه دوم «مساوی ب مساوی مساوی ج است» ذکر می کند. در واقع خواجه از اینکه ب مساوی با مساوی ج است این مقدمه را نتیجه گرفته است و اگر خواسته باشیم داوری کنیم بهتر این است که بگوییم قیاسی که خواجه تشکیل داده است بهتر از قیاس دکتر ملک شاهی است؛ زیرا دکتر ملک شاهی در قیاس اول حد اصغر را «الف مساوی» قرار داده است و «ب» را حد وسط و «مساوی ج» را حد اکبر قرار داده است. در صورتی که اگر «الف مساوی» حد اصغر باشد در واقع این حد معنایی ندارد و بهتر است بنابه گفته خواجه «الف» را حد اصغر و «مساوی ب» را حد وسط و «مساوی مساوی ج» را حد اکبر قرار داده و پس از این مقدمات نتیجه درست و منطقی را گرفت.

مرحوم مظفر و دکتر قراملکی از جمله کسانی هستند که معتقدند قیاس مساوات از اقسام قیاس مرکب است.<sup>۱</sup> آنها هم به طریقی مشابه خواجه به اثبات این مطلب می پردازند.

مرحوم مظفر معتقد است که قیاس مساوات، قیاسی مرکب است که قیاس اول آن به این صورت است:

الف مساوی ب است.

است که «مساوی مساوی ج مساوی ج است» که از این دو مقدمه این نتیجه حاصل می شود که «الف مساوی ج است»<sup>۲</sup> اگر خواسته باشیم طبق روش مظفر تحویل قیاس مساوات به قیاسی مرکب اثبات کنیم طی هفت مرحله این کار انجام می شود. که این روش به ترتیب بیان می شود:

- ۱- الف مساوی ب است.
  - ۲- ب مساوی ج است.
  - ۳- هر آنچه مساوی ب باشد؛ مساوی ب است. قضیه صادق بدیهی
  - ۴- هر آنچه مساوی ب باشد، مساوی مساوی ج است. جایگذاری سطر ۲ در سطر ۳.
  - ۵- الف مساوی مساوی ج است. منشا (۱) و (۲).
  - ۶- مساوی مساوی ج مساوی ج است. قضیه صادق بدیهی.
  - ۷- الف مساوی ج است. منشا (۵) و (۶) مطلوب.
- دکتر قراملکی با تحلیلی مشابه دیگران قیاس مساوات را از اقسام قیاس مرکب می داند که به دو شکل مرکب مفصول و مرکب موصول بیان می کند، مانند قیاسهای ذیل:
- قیاس مرکب مفصول:
- الف مساوی ب است.
- ب مساوی ج است.
- هرچه با مساوی مقدار (مانند ج) مساوی باشد با خود آن مقدار (مانند الف) هم مساوی است.
- قیاس مرکب موصول:
- الف مساوی ب است. هر چه مساوی ب باشد با مساوی ج مساوی است.

۱- همانطور که گفته شد این افراد نظرات جدیدی را ارائه کرده اند و فقط نظرات دیگران از جمله خواجه را تأیید کرده اند و آن نظرات را به گونه ای دیگر ارائه داده اند.

۲- المنطق. محمد رضا مظفر. ج ۲. صص ۲۶۲-۲۶۳



/ الف با مساوی ج مساوی است.  
هر چه با مساوی مقداری مساوی باشد با خود آن مقدار هم مساوی است.  
/ الف مساوی ج است<sup>۱</sup>

البته با این تفاوت که دکتّر قراملکی مقدمه خارجی را با همان حالت کلی وارد مقدمات قیاس کرده بدون اینکه مصداقی از آن را بیان کند. مثلاً کبرای قیاس دوم این قضیه است که «هر چه با مساوی مقداری مساوی باشد، با خود آن مقدار هم مساوی است». که این مقدمه به همراه مقدمه اول این نتیجه را می‌دهد که: «الف مساوی ج است».

به نظر می‌رسد برای اینکه این قیاس به اشکال قیاس شباهت بیشتری داشته باشد و حد وسط کاملاً مشخص باشد و در هر دو مقدمه بطور کامل تکرار شود، بهتر است که مصداقی از مقدمه کلی بیان شود، مثلاً به جای مقدمه کلی این مقدمه را وارد کنیم که: «هر چه با مساوی ج

مساوی باشد، با خود ج هم مساوی است». و با حذف حد وسط به این نتیجه برسیم که «الف مساوی ج است» که اکثر منطق دانان از این روش استفاده کرده اند.

به نظر می‌رسد که از تحلیل قیاس مساوات به این نکته می‌رسیم که قیاس مساوات، قیاسی مرکب است که برخی از مقدمات آن ذکر نشده است؛ به عبارت دیگر قیاس مساوات، نوعی قیاس ضمیر است که برخی از مقدمات آن ذکر نشده است.

در پایان یادآور می‌شویم که ابوعلی سینا قیاس مساوات را قبل از بیان قیاسهای استثنائی آورده و تأکید کرده است که قیاس مساوات - مفرد و مرکب - نوعی قیاس اقتزانی است؛ یعنی در قیاس مفرد از یک قیاس اقتزانی و در قیاس مرکب از دو قیاس اقتزانی استفاده می‌شود.<sup>۲</sup>

۱- منطق (۱) و (۲). احد فرامرز قراملکی. ج ۲. ص ۱۲۱

۲- شرح اشارات. خواجه نصیرالدین طوسی. ج ۱. ص ۲۸۰

### فهرست منابع و مأخذ:

- الاشارات و التنبیها: ابوعلی سینا. مؤسسه النعمان. ۱۴۱۳هـ
- شرح شرح الاشارات و التنبیها. علامه قطب الدین محمد بن محمد بن جعفر رازی. مطبعه الحیدری. ۱۳۷۷ هـ ق
- شفا. ابن سینا. قاهره. نشر وزارت تربیت و تعلیم. ۱۳۷۷ هـ
- اساس الاقتباس. الطوسی. تصحیح. مدرس رضوی. تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. اسفند ۱۳۶۷. چاپ چهارم
- شرح اشارات. فخررازی. نسخه خطی. کتابخانه مجلس
- شرح شمیة. نجم الدین الکاظمی. انتشارات زاهدی
- شرح شمیة. نسخه خطی. مجموعه و تعلیقات قطب رازی. الشریف الجرجانی. العلامه السیالکوتی و ...
- المنطق. شیخ محمد رضا مظفر. قم. انتشارات دارالعلم
- ترجمه و شرح اشارات و تنبیها ابن سینا. حسن ملک شاهی. تهران. سروش چاپ دوم ۱۳۷۵
- منطق العرب من وجهه نظر منطق الحدیث. الدكتور مأخوری. بیروت. دارالطبیعة. چاپ اول ۱۹۷۹. م.
- منطق صوری. محمد خوانساری. تهران. آگاه. پاییز ۱۳۷۵. چاپ نوزدهم
- منطق (۱) و (۲). احد فرامرز قراملکی. تهران. دانشگاه پیام نور. چاپ دوم. اسفند ۱۳۷۶
- الکلمات العالیة فی شرح الحاشیة. تهران. چاپ توس. انتشارات دارالعلم. ۱۳۷۰. چاپ اول

